

بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران - 1 / بهمن / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان! خیلی خوش آمدید. ان شاء الله همیشه مورد حمایت و کمک الهی باشید. من هم، همین فرمایشهای جناب آقای نوری را تصدیق می‌کنم که استانداری کار سختی است و انتظارات از استاندار زیاد است. چون خودم به غالب استانها سفر کرده‌ام و بعضی از شما برادران را در محل کارتان زیارت کرده‌ام و کارتان را از نزدیک مشاهده نموده‌ام. بعضی هم که تازه تشریف آوردید و مشغول کار شدید، غالباً محل مأموریتتان را از نزدیک دیده‌ام. با مسایل کشور آشنا هستیم و می‌دانم که چه قدر این کار، کار سخت و ظریفی است و به عقل و دین و سلیقه احتیاج دارد. استاندار خوب - که شما باشید - کسی است که عاقل و متدین و خوش سلیقه و دارای ظرافت در کار مدیریت باشد. استانداری، از آن مدیریتهای یک بعدی نیست. شما فرضاً می‌توانستید مدیر کل وزارت اقتصاد یا وزارت کار یا وزارت صنایع در یک استان و یا سایر وزارتخانه‌ها باشید. همه‌ی آنها، کارهای یک بعدی است. اگر چه الان هر کار اجتماعی، ذوابعد است؛ اما نسبت به کار شما، یک جنبه می‌باشد. کار شما در درجه‌ی اول، یک کار انسانی و سیاسی است و این چیزی است که حقا و انصافاً، ظرافت فراوان و عقل وافر و دین خالصی را می‌طلبد. البته، توقعمان از وزارت کشور این است که این شرایط در او وافر باشد و تصور من این است که بحمدالله این چنین می‌باشد. یعنی واقعا وقتی من الان به مجموعه‌ی که تا حالا شناخته‌ایم و جلوی چشم هستند و خود جناب آقای نوری و بعضی از برادران دیگر را که می‌شناسیم، نگاه می‌کنیم، انصافاً خیلی خوب کار کرده‌اند و اصلاً جای ایراد و اعتراضی نیست. در عین حال، وزارت کشور، وزارت مادر است و ما هیچ دستگاه اداری دولتی دیگری به جامعیت وزارت کشور نداریم.

شما که در آن استان تشریف دارید، رئیس جمهور و وزیر و مظهر نظامید. اگر نظام همگانی است، شما نیز باید همگانی باشید. اگر نظام، نظام مستضعفان است، بایستی این موضوع، خودش را در عمل و بیان و رفتار شما نشان بدهد. اگر نظام، نظام پرهیزگر از تجملات و زیاده‌پاست، باید این ویژگی در زندگی شما مشخص شده باشد. شما آن نمای نظام در استان هستید؛ بسته به این است که استان از لحاظ وسعت و کمیت آدمها و رفت و آمدکننده‌ها و کیفیت انسانهای آن جا، چگونه استانی باشد. بحمدالله همه‌ی استانهای کشور ما، از لحاظ معنوی و کیفی در سطح بالا قرار دارند و دارای سطح مماسی با آن اوج هستند؛ ولو در همه‌ی استان این گونه نباشد. کیفیت در کشور ما، این طوری توزیع شده است. به دورترین نقاط کشور هم که نگاه کنید، بحمدالله انسانهای با کیفیتی پیدا می‌شوند. نمی‌شود گفت که همه‌ی کیفیت‌دارها، در یک استان خاص و یا در تهران و یا در شهرهای بزرگ متمرکز شده است. بنابراین، مسأله‌ی اول این است که استاندار باید آن ذهنیتی را که از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و اسلام، در ذهن مردم و ذهن خود من و شما - که مسئولان نظام هستیم - وجود دارد، در عمل و رفتار و کردار و محل معیشت و نوع معیشت و برخورد و جانبداریها و موضعگیریهای خودش نشان بدهد. قطعاً اگر استاندار نتواند در شهری، دل عامه و متن مردم را به دست آورد، نظام در آن استان نمی‌تواند حضور پیدا کند. البته، ممکن است بعضی بگویند: اگر استاندار نتواند چنین کند، مردم با این استاندار بد می‌شوند؛ ولی از نظام بر نمی‌گردند یا مقامات بالا را دوست دارند. بله، در کوتاه مدت همین است؛ اما در بلند مدت اصلاً این طور نیست. آن جایی که پای تجزیه و تحلیل به میان آید و فرصت تجزیه و تحلیل برای استاندار باشد، دیگر استاندار مظهر نظام است و کیفیت کار او، آرایه‌کننده‌ی کیفیت کار نظام می‌باشد.

نکته‌ی دیگری که من همیشه خدمت آقایان و استاندارهایی که طی هشت سال گذشته پیش من می‌آمدند تا به مرکز مأموریت خود بروند و یا در خلال کارها با هم ملاقاتی داشتیم و به آنها تذکر داده‌ام و حالا هم برای شما مطرح می‌کنم - هر چند در بین شما کسانی هستند که حق را ادا کنند - این است که استاندار در یک استان، نقش پدر را دارد. البته، بعضی از شما خیلی جوانید و به ظاهرتان نمی‌آید که مثلاً پدر فلان پیرمرد عالم باشید؛ اما واقع

قضیه این است که شما پدرید. استاندار بایستی پدرانۀ رفتار کند و بخصوص با جناحها و قشرهای مختلف، با یک نگاه برخورد نماید. یقیناً همه با شما یکسان برخورد نخواهند کرد. این مسلم است که روی سوابق ذهنی و مثالی جهالتها و سختگیریهایی که بعضیها دارند، در موافقت و یا مخالفت تندی کنند؛ اما از طرف شما قضیه بایستی این گونه باشد؛ همچنان که پدری با فرزندان خود این طور رفتار می کند.

یک وقت درباره ی قضیه یی، خدمت امام (ره) مطلبی را عرض کردم - حالا تفصیل آن قضیه طولانی است - به ایشان عرض کردم که این تصمیمی که شما گرفته اید، واقعا یک لطف الهی و کار خدا بود که شما به این فکر بیفتید. بعد از آن، حادثه یی اتفاق افتاده بود که اگر ایشان آن تصمیم را نمی گرفتند، برای ما خیلی مشکلات و دردسر درست می کرد. ایشان در پاسخ به من، مطلبی را فرمودند که در دفترم یادداشت کردم. ایشان گفتند: از اول انقلاب تا کنون، گویا در همه ی قضایا، دستی پشت سر این انقلاب، آن را یاری داده است. امام (ره) این گونه قضاوت می کردند. نوع کمک الهی مختلف است. یک وقت است که آدم می گوید خدا پشت سر ماست و به ما کمک می کند؛ اما این گونه و با این صراحت، ذهن بالای این مرد حکیم و هوشمند، همه ی دقایق ارتباطات را می دید. این گونه نبود که امام (ره) چیزی را حمل بر تصادف بکند و بگوید حالا این طوری پیش آمد. نه، آدم دقیق و ظریفی بود که همه ی جزئیات این ارتباطات و مسایل را می دید و بالاتر از این که مشاهده کند، پیش بینی می کرد. حقیقت مطلب این است که من هم در طول این ده سال، در حد ادراک و دخالت خودم در قضایا و نیز در طول این چند ماه بعد از رحلت حضرت امام (ره)، این معنا را بیشتر احساس کرده ام. این، تا وقتی است که رابطه ی خودمان با خدا و نحوه ی ایمان و عمل خویش را حساب شده و دقیق تنظیم کنیم و در درجه ی اول، برایمان انجام تکلیف مهم باشد. شما آقایان، هر اقدامی که می خواهید انجام بدهید و هر حرفی که می خواهید بزنید و هر انتصابی که می خواهید بکنید، تکلیف را در نظر داشته باشید.

در شهرها، جناح بندیهای فراوانی است که همۀ اش هم سیاسی نیست. من یک وقت به یکی از استانها رفته بودم، بعد که به تهران برگشتم، آنچه را که در آن استان دیده بودم، برای دوستان جلسۀ رؤسای سه قوه توضیح دادم. گفتم: در آن جا، خط و جناح بندیهای سیاسی، اصلاً بکلی عوض شده و یک طور دیگر است. اگر ما در تهران خط سیاسی می بینیم و هر خط از این دو سه خطی که هستند، مشخصه و علامتی دارد و اگر این خصوصیت، متعلق به آن خط است و آن خصوصیت، متعلق به این خط می باشد و این آدم، وابسته به آن خط است و آن آدم، وابسته به این خط می باشد؛ به آن استان که رفتیم، دیدیم همه ی این حسابها به هم ریخته است و هر کسی که دارای فلان خصوصیت است و قاعدتاً باید متعلق به این خط باشد، بعد می دیدیم که متعلق به آن خط دیگر است. معلوم شد که در آن جا همه ی مسأله، مسأله ی گرایش سیاسی و فکری و اقتصادی و امثال اینها نیست؛ بلکه مسایل محلی و آخوندی و کسبی و عشیره یی هم دخالت دارد. همه ی اینها دخالت می کند و یک جناح بندی درست می نماید. در آن جا، خطوط سیاسی هم قویند و جنجال و سر و صدا دارند و وارد میدان می شود و هر خطی، چیزی را زیر چتر خودش نگه می دارد و می برد؛ در حالی که در واقع، ماهیت قضیه خیلی سیاسی نیست.

من می خواهم بگویم که هر چه می توانید، کوشش کنید این فاصله ها و اختلافها را کم کنید و از بین ببرید. به نظر من، استاندار عاقل متدین خوش سلیقه، کار زیادی هم می تواند بکند. این موارد را برطرف بکنید. بعضی از شما آقایان، بحمدالله طلبه هستید و بعضی هم از بس در کارهای روحانیون و علما و ارتباطات بودید، مثل طلبه ها شده اید و آن شم روحانی و طلبگی را پیدا کرده اید. گاهی ممکن است حتی بین بعضی از آقایان اهل علم، اختلاف نظرهایی باشد. کوشش کنید که اینها را به هم نزدیک کنید. در بعضی جاها، جریانهای موازی وجود دارد. ما در بعضی از شهرها، این جریانها را دیدیم. مثلاً فرض کنید که در اصناف و روحانیون و دانشگاهیها، دو جریان است. هر چه می توانید اینها را وادار کنید که به هم نزدیک شوند. جلسۀ مشترک بگذارید و به هم انسشان بدهید. غرض، همه ی ما و شما و جناب آقای نوری و دولت، برای وصل و تلاش و کار آمده ایم. خداوند ان شاءالله کمک کند تا بتوانیم وظایف خود را انجام بدهیم.

ضمناً در این شهرها، گرفتاریهای مردم خیلی زیاد است. در این نقاط دور دست - مخصوصاً بعضی از استانها مثل

سیستان و بلوچستان و هرمزگان و سایر استانهای مشابه - واقعا مشکلات غیر قابل تصور است. من به بعضی از استانها که می‌رفتم، برخی از آقایان می‌گفتند که مثلا آب و آذوقه و اشتغال در استان ما، حتی از سیستان و بلوچستان هم بدتر است. این قضاوت ناشی از آن است که این برادر، آن استان بد را ندیده است و اطلاع درستی از آن ندارد. آدمی که هم‌ه‌ی این استانها را دیده باشد، اذعان خواهد کرد که انصافا وضع بعضی از استانها، خیلی بدتر و سخت‌تر و توأم با فشار بیشتری است. با حرکت در سطح استان، با نزدیک شدن به مردم، با نشستن در محیط زندگی خصوصی و خانه و کپر و چادرشان، نسبت به مشکلات مردم آشنا بشوید و آنها را لمس کنید. هر کس که این مشکلات را لمس بکند، برای کار و تلاش، انگیزه‌ی تمام نشدنی پیدا خواهد کرد.

خداوند ان شاءالله شما را موفق بدارد. ما هم دعا می‌کنیم که هم‌ه‌ی برادران عزیزی که در دولت خدمت می‌کنند - از جمله شما برادران وابسته به وزارت کشور و بقیه‌ی برادرانی که در این زمینه هستند - ان شاءالله مشمول توفیقات و کمک الهی باشند. ان شاءالله همه با هم بتوانیم جامعه و کشوری بسازیم که حقیقتا الگو باشد و در آن، مشکلات مردم بر طرف بشود.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته